

ظاهر دیوانچگی

17-06-2011

## گزارش شب یاد بود از منادی بزرگ معرفت و انسانیت مولانا جلال الدین بلخی در شهر استراسبورگ - فرانسه

فضای سحر انگیزی بود. جوش و خروش مولانا در دل ها زبانه می کشید. کسی به شنیدن « آوای نی « آماده بود تا شکایت از جدائی ها را بشنود. کسی دیگر به دیدن « آتش در نیستان». کسی در شب دنبال « آفتاب عشق» بود. کسی دیگر به جستجوی رمز شعر بلخی. کسی به امید درک بیشتر به عمق دنیا ی مولانا و... حضور رسانده بود.

سر پنهانست اندر زیر و بم

فاش گر گویم جهان بر هم زخم

همچو نی زهري و تر یاقی که دید؟

همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

اندک اندک جمع دوستان و عاشقان مولانا به سالون میرسیدند و در گوشه ی آرام منتظر شروع برنامه بودند. سالون در جای چپی واقع شده بود. مهمانان از هر کجا که بودند به سختی نشانی را پیدا می کردند. دوستان شهر استراسبورگ از جمله **شکرالله شیون** به استقبال مهمانان می رفتند تا دوستان به سهولت به محل برگزاری برسند.

بعد از چندی چوکی ها کم کم پر شد. در میان حاضرین برخی از بزرگان شهر نیز تشریف داشتند. **داکتر حمایت الله اکرم**، مردی موی سفید که با نگاه پر معنا از همه چیز تحسین می کرد، اولین سخن شب را ندا کرد: حضور به شب مولانا یک زیارت است. وظیفه است و....

در میان حاضرین چهره ی بشاش یک جوان پناهجو با « سینه ی شرحه شرحه از فراق» از دور میدرخشید. به سراغ اش رفتم تا سلامی تقدیم اش کنم. ماه ها بود که اشکی در چشم داشت و ترسی

خوفناک در دل. پولیس در پی آن بود تا او را رد مرز کند. سر انجام به اثر تلاش های خودش و حلقه های بشر دوستانه از اخراج اش جلوگیری کرده بوند.

دومین سخن از او بود: « اجازه ی درخواست پناهندگی را به من دادند و امشب مولانا را با خاطر جمع می‌شنوم! ».

باری، سقرش به دیاران بلخ با خاطر جمعی به نظر میرسید !

علاوه بر شهروندان شهر استراسبورگ، عزیزانی از سایر شهر ها تشریف آورده بودند. از شهر کالسروهه به ویژه مسئولین و فعالین کانون فرهنگی حضور داشتند. دوستانی از شهر های فرایبورگ، هایدلبرگ، فرانکفورت، هامبورگ و همچنین افغان های از شهر های دیگر فرانسه از جمله از شهر مولوز حضور بهم رساندند. دوستان ایرانی از کانون فروغ، کانون فرهنگی ایرانیان، و چند نویسنده، پژوهشگر و هنرمند دنیای موسیقی نیز در جمع حضور داشتند.

درین میان ، بانوان کشور حضور قابل ملاحظه ی داشتند. چند تنی از فرانسوی ها نیز فقط با شنیدن نام مولانا در سالون حضور داشتند.

شب با نوای شور انگیز رباب آغاز گردید. چونکه : « مولانا و فرزندش سلطان ولد هر دو رباب می نواختند فرزندش را مثنوی است به نام ( رباب نامه) در همان بحر رمل و به پیروی از مثنوی معنوی که ( 8091) بیت دارد و این گونه آغاز می یابد: »

**بشنوید از ناله و بانگ رباب**

**نکته های عشق در صد گونه باب**

بدین سان آقای حسین ریاض که رباب اش را مدیون دوست گرامی اش زنده یاد استاد غلام محمد عطائی میداند، چند پارچه رباب نواخت. آقای ریاض را تبله نواز ماهر نیرمالیا رای Nirmalya Roy همراهی کرد. این هنرمند هندی تبار، آموزش دیده ی مکتب تبله در شهر کلکته هند است. هم اکنون سفری به اروپا دارد و می گوید : به من افتخار است که در شب مولانا ی بزرگ برای دوستان افغانم تبله بنوازم.

سخن گوی کانون فرهنگی افغان های شهر استراسبورگ ضمن خوش آمدید گفتن برای حضار ، شرکت کنندگان را به سفری در سر زمین پر راز شعر و عرفان دعوت کرد:

« دوستان، امشب شما را به سفری شگفت انگیز، به دیار شاعر و عارفی از تراز کوه ماندان و تکرار ناپذیران تاریخ دعوت می کنیم، تا باشد قطره گک از بحر عرفان و معرفت مولانا را به یاری استادان، نویسندگان، شاعران و فرهنگیان کشور که درین شب حضور یافته اند، با هم نوش کنیم ». بعد از خوانش شعر زیبای مولای بلخ:

پیر من و مراد من، درد من و دوی من

فاش بگفتم این سخن، شمس من و خدای من

از نویسنده گرامی نصیرمهرین که در تدوین برنامه کانون فرهنگی را همکاری نموده بودند، خواهش شد که در پشت بلند گو بیایند. پیش از آن جملاتی در باره آقای مهرین گفته شد:

«... نصیرمهرین دوران شیرین جوانی اش بدون تلخی نبوده است. تلخی بی که همواره در زندگانی شخصیت های نستوه حضور دارد. تلخی بی که در درزانی تاریخ، مردم ما را بدرقه کرده است و مهرین این تلخی را با جان و دل حس می کند.

باری، این تلخی مهرین را به ورطی پیکار با بی عدالتی ها و تلاش های فرهنگی می کشاند و چنان که این پیکار همچو سایه او را تا به امروز تعقیب می کند و از سر پر سوادش دست بر دار نیست...»

جناب مهرین از خوانش مضمون " سایه یزدان در شعر مولانا " منصرف شد. گفت که عزیزانی امشب حضور دارند که جامعتر به ابعاد افکار و زندگی مولانا می پردازند.

آنگاه شاعر و سخنور ارجمند **استاد لطیف ناظمی** یکی از چهره های آشنا شعر و ادب افغانستان برای سخنرانی دعوت شد. استاد ناظمی با کلام شیرین، واژه های ناب و لحن دل پذیر بیش از یک ساعت

شرکت کنندگان را از

سرزمین عشق تا

صدای نی، از مثنوی

تا غزلیات گلگشت داد.

**استاد ناظمی** در باب

مولانا همچنین گفت که

مولانا سه بار تولد شد.

یک بار در بلخ از



بطن مادر، یک بار در قونیه، دیدار با شمس و سومین بار در هزاره ی سوم در غرب...

بعد از مکث روی 18 بیت مثنوی، همین طور در باب رباب در شعر مولانا، رابطی مولانا با شمس، عشق در کلام مولانا و... سخن گفت.

بعد آقای **جلیل شبگیر پولادیان** شاعر و نویسنده گرامی مضمون مفصلی را روی « جهان بینی مولانا » به خوانش گرفت. نوشته شان تحقیقی و کار تحسین آمیزی بود که به عاشقان مولانا درین شب ارائه کرد.

پس از آن فرزانه ارجمند **آقای ابراهیم حجازی** از فرهنگیان جامعه ادب افغانستان، با احساس و طرز ویژه یی در مورد « **مولانا و تمثیل** » سخن گفت. گفتار آقای حجازی شاعرانه و عارفانه بود که به دلها نشست.



برای ختم اولین بخش برنامه آقای نصیر مهرین سخنانی در مورد بزرگی عارف و سخنور بزرگ در ساحه دانش، شعر و عرفان و همین طور اهمیت و لزوم برگزاری شب های یاد بود، سخنانی ایراد نمود. آقای مهرین از کار های تحسین آمیزی که در زمینه ی دانش

و فرهنگ میشود از جمله محفل خانه مولانا که هفته های پسین باغرس مولانا در فرانکفورت دایر شد، یاد اور شد.

کانون فرهنگی، بخش دوم شب را به موسیقی غزل اختصاص داده بود. آواز خوان جوان و پر استعداد **آقای سید محمود پرتو** مقیم شهر فرانکفورت تا پاسی از شب غزال سرانی کرد. این هنرمند را تبله نواز **هندی نیرمالیا رای** همراهی کرد.



قابل یادآوری است که در تدارک و سازماندهی این شب دوستان و همکاران کانون خدمات قابل وصفی نمودند.

آقای سمیع محاق مسئولیت بخش صدا و موسیقی را به عهده داشت. در امتداد شب، اشعاری از مولانا با صدای شعر خوانان افغان و همچنین احمد شاملو را بخش کرد.

آقای جاوید امیر ، آقای شکیب امیر و آقای فهیم امیر در پذیرائی مهمانان تا تزئین سالون و... نقش ارزنده یی را ایفا نمودند.



فرهنگدوست ارجمند شاهین ناژ از فرهنگیان خانه مولانا در فرانکفورت اشعار زیبای از منادی بزرگ معرفت و انسانیت را با خط نستعلیق به گونه ی تابلو جهت تزئین سالون با خود آورده بود که با محتوای شب هخوانی ویژه داشت.

از جمله دوستانی که پیام فرستاده بودند، پیام خانم نفیسه رشید به خوانش گرفته شد که ایشان ضمن سلام و احترامات در قسمتی از پیام اظهار داشتند که: «... چه لذت بخش است که ما پیام آن عاشق حقیقت و انسان دوستی و آن عارف سخن ور را از حلقه شما دوستداران و ره روان راه مولانا میشنویم. شب پراز فیض تان با یادآوری «آفتاب شعر» روشن و وشاد باد...».

مسوالت میز مطبوعاتی را **نیما ریاض** عهده دار بود. در کنار اسناد ارزنده، دو کتاب یکی از آقای **بنی اسدی «طرحی از انسان به روایت مولوی»** و دیگری از آقای مهرین **«شاه شجاع ها»** که تازه چاپ شده است، در دسترس کتاب خوانان قرار داشت. این دو کتاب را می توانید از نشانی کانون بدست [acas.afghan@gmail.com](mailto:acas.afghan@gmail.com) آورید:

شب به گونه ی آغازش با صمیمیت و اخلاص با دادن دسته های گل به نویسندگان و هنرمندان ، به پایان رسید. آخرین گپ پایانی را **خانم صالحه یوسفی** یکی دیگر از بزرگان شهر ضمن سپاس از برگزارکنندگان محفل، اظهار داشت :

« محفل بسیار عالی بود و فراموش ناشدنی. از سخنرانی ها تا پخش موسیقی، شب یاد بود مولانا بلخی به وجهه خوبی برگزار شد...».

از همکاری های تارنمای **کابل ناتھ** ، **گفتمان ونی**، قدردانی شد. این تارنماهای فرهنگدوست، در پخش برنامه ی شب مولانا ، کانون را یاری رسانیدند. سپاس فراوان از آنها.

باقی این غزل را ای مطرب ظریف  
باقی این غزل را ای مطرب ظریف  
زین سان همی شمار که زین سانم آرزوست  
زین سان همی شمار که زین سانم آرزوست